

نقش کشورهای کوچکتر
اتحادیه اروپا در سیاست‌گذاری‌ها

برخی کشورهای کوچکتر اروپای مرکزی و حوزه بالتیک در تعیین سیاست‌ها و راهبرد اتحادیه اروپا در واکنش به حمله نظامی روسیه به اوکراین نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و نفوذ آن‌ها در مکانیسم تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا تأثیر بسزایی در آینده این اتحادیه خواهد داشت. سال ۲۰۰۴، کشورهای حوزه بالتیک و اروپای مرکزی به خط پایان مذاکرات برای پیوستن به اتحادیه اروپا رسیدند. اعضای قدیمی‌تر اتحادیه اروپا بر گسترش مرزهای اتحادیه به توافق رسیده بودند و بر همین مبنا نیز عضویت ۸ کشور را که در گذشته کشورهای با حاکمیت کمونیستی به شمار می‌رفتند، تأیید کردند. این اقدام، در آن زمان به معنای توسعه جغرافیایی، امنیتی و دموکراتیک بیروآتلانتیک بود.

لهستان بزرگترین کشوری بود که در آن زمان به اتحادیه اروپا پیوست. این کشور که از نظر جمعیت، پنجمین کشور پرجمعیت اتحادیه به شمار می‌رفت، جایگاه قدرتمندی برای تأثیرگذاری در ساختارهای اتحادیه اروپا پیدا کرد. سه کشور دیگر حوزه بالتیک یعنی لیتوانی، لتونی و استونی از این نظر در رده‌های پایین‌تری قرار می‌گرفتند.

در آن زمان دو نکته توجه‌مرا به خود جلب کرد. هیچ‌کدام از این واردشوندگان مشتاق به اتحادیه اروپا در مذاکرات با یکدیگر هماهنگ و هم‌راستا عمل نمی‌کردند در حالی که چنین کاری می‌توانست وضعیت بهتری را برای آن‌ها در مذاکرات فراهم کند. از سوی دیگر، کشورهای غرب اروپا، اطلاعات و دانش اندکی درباره اعضای جدید، منافع آن‌ها، نگرانی‌های آن‌ها، تاریخ آن‌ها و هویت آن‌ها داشتند. بعضاً اشتباهاتی در این سطح که اسلوهونی با اسلواکی اشتباه گرفته شود، دیده می‌شد.

دو حادثه این وضعیت را تغییر داد. ابتدا تصمیم آلمان برای ساخت خط لوله گاز نورد استریم به همراه روسیه که باعث می‌شد گاز به‌طور مستقیم از دریای بالتیک به آلمان انتقال پیدا کند و این مسئله نقش لهستان و اوکراین را به‌عنوان دو کشوری که از تازیت انرژی سود می‌بردند، تحت تأثیر قرار می‌داد. این کار همچنین منابع انرژی این دو کشور را آسیب‌پذیرتر می‌ساخت. لهستان و تعدادی دیگر از کشورهای حوزه بالتیک، لایه قدرتمندی را برای متوقف ساختن این پروژه به کار بستند. روش‌ها در این مسیر از اتحادیه اروپا استفاده کرد تا تنوع در سبد تأمین انرژی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های امنیتی اتحادیه در دستور کار قرار گیرد.

آن‌ها متحدان اندکی در میان کشورهای غرب اروپا داشتند. آن‌ها از مکانیسم‌های موجود در کمیسیون اروپا و سایر نهادهای اتحادیه استفاده کردند که بگویند روابط خاص روسیه و آلمان نهنها به امنیت انرژی اتحادیه اروپا ضرر می‌رساند بلکه به نوعی برلین را در برابر همسایگان شرقی خود قرار می‌دهد. نگرانی‌ها از همکاری‌ها و توافق‌های پشت پرده برلین و مسکو که سابقه هم داشت، آن‌ها را داشت تا از طریق اتحادیه اروپا منافع خود را دنبال کنند.

با حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، تحت فشار ایالات متحده و کشورهای شرق اروپا، آلمان پروژه نورد استریم ۲ را متوقف کرد. در این شرایط، کشورهای اروپای مرکزی و بالتیک، پیش‌بینی‌های خود را تحقق یافته می‌دیدند. آن‌ها بارها با اشاره به حمله روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸، حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۱۴ و همچنین حمایت مسکو از الکساندر لوکاشنکو برای باقی ماندن در قدرت در بلاروس، درباره اهداف توسعه‌طلبانه روسیه هشدار داده بودند. این کشورها همچنین گفته بودند که تلاش برای ایجاد شکاف در اروپا از سیاست‌های روسیه است. این کشورهای کوچک‌تر به‌خوبی معنای زندگی در زیر سایه انفالگری روس‌ها را درک می‌کردند. آن‌ها کارزارهای متعددی را برای قانع کردن همه اعضای اتحادیه اروپا به تأمین مالی و نظامی اوکراین برگزار کردند. آن‌ها همچنین طی مذاکرات فشرده فرایند پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا را تسهیل کردند. این یک دستاورد بزرگ برای این کشورها به شمار می‌رفت. آن‌ها در شرایطی به اهداف خود دست یافتند که در سال ۱۹۵۷ زمانی که اتحادیه اروپا ایجاد شد، محوریت اصلی اهداف این اتحادیه ایجاد فضایی صلح‌آمیز و باثبات در اروپای غربی بود و تلاش بر این بود که از اختلافات میان فرانسه و آلمان کاسته شود. امروز اما با وقوع جنگ اوکراین، آن‌ها وزن بیشتری در تصمیم‌سازی‌ها پیدا کرده‌اند و روایت تاریخی آن‌ها از گسترش این نگاه متفاوت در اتحادیه اروپا اهمیت زیادی در تعیین مسیر آینده اتحادیه دارد. جنگ در اوکراین بر سر استقلال و حاکمیت ملی است و معنای خاصی برای کشورهای اروپای مرکزی و بالتیک دارد.

تحولات
اروپا

جاناس سران کشورهای عضو ناتو در ویلنیوس، لیتوانی، ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۳

محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار گروه بین‌الملل



فنلاند و سوئد به‌رغم نزدیکی به بلوک غرب، برای بیش از هفت دهه از جمله در تمام طول جنگ سرد، بهترین راه برای تأمین امنیت ملی خود را اتکا به خود و نیویوستن به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند اتحاد سیاسی بی‌طرفانه می‌تواند ثبات و توازن نظامی را در منطقه دریای بالتیک حفظ کرده و روسیه را برای اعمال نفوذ بیشتر در این منطقه تحریک نکند. حمله نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ هلسینکی و استکهلم را به بازنگری در این سیاست قدیمی وا داشت و این دو کشور در شمال اروپا در ماه مه ۲۰۲۲ برای اینکه هدف بعدی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در مسیر توسعه حوزه نفوذ مسکو نباشند تصمیم گرفتند حرکت در مسیر پیوستن به ناتو را آغاز کنند.

هر دوی این کشورها برای سال‌های طولانی همکاری‌های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی زیادی با ناتو داشتند و بارها در آزمایش‌های ناتو حضور یافته بودند اما به دلایل تاریخی ترجیح می‌دادند به این ائتلاف نپیوندند. اواخر ماه فوریه، پس از اینکه پارلمان مجارستان درخواست سوئد برای عضویت در ناتو را تأیید کرد و آخرین مانع را از سر راه استکهلم برداشت، اولف کریسترسون، نخست‌وزیر سوئد در جمع خبرنگاران گفت: «اکنون سوئد به ۲۰۰ سال بی‌طرفی و متحد نشدن با قدرت‌های دیگر پایان می‌دهد. این یک گام بزرگ است که با جدیت برخواهیم داشت.» عضویت فنلاند در ناتو در آوریل ۲۰۲۳ تأیید شده بود.

ناتو در سال ۱۹۴۹ یعنی چهار سال پس از پایان جنگ جهانی دوم تشکیل شد و تا پیش از حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین ۳۰ عضو داشت. با پیوستن فنلاند و سوئد به این ائتلاف نظامی تعداد اعضای ناتو به ۳۲ کشور رسید. تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند این اتفاق، چشم‌انداز امنیتی اروپا در سال‌های آینده را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد و روابط مسکو و کشورهای اروپایی را پیچیده‌تر از قبل کند. اضافه شدن سوئد و فنلاند مزیت‌های زیادی برای ناتو خواهد داشت و توان نظامی این ائتلاف را روی زمین، دریا و هوا به‌طور قابل‌توجهی ارتقا خواهد داد. سوئد ناوگان دریایی قدرتمندی دارد و می‌تواند نقش مهمی در تأمین امنیت دریای بالتیک ایفا کند. این کشور همچنین یکی از سازندگان مهم سلاح در جهان از جمله جنگنده‌های پیشرفته است.

فنلاند نیز ارتش قدرتمندی دارد و پتانسیل این کشور در زمینه منابع انسانی و نیروی نظامی متخصص می‌تواند ظرفیت‌های ناتو را بیشتر کند. از سوی دیگر، حضور فنلاند در ناتو مزیت‌های جغرافیایی زیادی را به این ائتلاف تقدیم می‌کند که می‌تواند سرمنشأ نگرانی‌های زیادی برای روسیه باشد.

هم فنلاند و هم سوئد برای پیوستن به ناتو با موانعی روبه‌رو بودند. فنلاند سال‌ها گذشته توانست به عضویت ناتو درآید اما سوئد برای طی همان مسیر با دو مانع عمده یعنی سنگ‌اندازی‌های ترکیه و مجارستان روبه‌رو بود که هر

دو نسبت به سایر اعضای ائتلاف، روابط بهتری با روسیه داشتند. ترکیه خواستار اقدام شدیدتر سوئد علیه اعضای حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بود و رجب طیب اردوغان حتی موافقت آمریکا با فروش جت‌های جنگنده اف-۱۶ به ترکیه را یکی دیگر از پیش شرط‌های تصویب این طرح در پارلمان دانسته بود. ماهیت مخالفت‌های مجارستان چندان واضح نبود چراکه ویکتور اوربان بیشتر از انتقادات سوئد در قبال وضعیت دموکراتیک کشورش اعلام نارضایتی می‌کرد.

روسیه بسیار از پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو ناراضی است. هم‌زمان با موافقت پارلمان مجارستان با پیوستن سوئد به ناتو، ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در نشست خبری گفت: «پیوستن سوئد به ناتو و چشم‌پوشی استکهلم بر تاریخ ۲۰۰ ساله عدم تعهد در حوزه نظامی که عامل مهمی در حفظ ثبات در بالتیک و شمال اروپا بود، ناگزیر این بخش از قاره را از منطقه ثبات و همکاری به منطقه مقابله بالقوه تبدیل می‌کند. عضویت سوئد در ناتو منجر به از دست دادن بخش قابل‌توجهی از حاکمیت ملی برای استکهلم خواهد شد. همچنین نمی‌توان فراموش کرد که پیوستن سوئد به ناتو با ادامه رویکرد ضدروسی رهبری سیاسی و نظامی سوئد همراه است. عامل اصلی این رویکرد ضدروسی سوئد در خارج از این کشور است؛ این خود سوئدی‌ها نیستند که انتخاب می‌کنند، بلکه این انتخاب برای آنها از بیرون از کشور انجام شده است.» وزارت امور خارجه روسیه در آوریل ۲۰۲۳ نیز در بیانیه‌ای که در واکنش به عضویت فنلاند در ناتو صادر

پایان هفت‌د

پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو چا

شد، نوشته بود: «همانطور که در چندین موقعیت هشدار داده‌ایم، فدراسیون روسیه مجبور خواهد بود با تدابیر فنی-نظامی و دیگر تدابیر با هدف رسیدگی به تهدیدات امنیتی ملی مربوط به پیوستن فنلاند به ناتو پاسخ دهد.»

سد دفاعی در دریای بالتیک

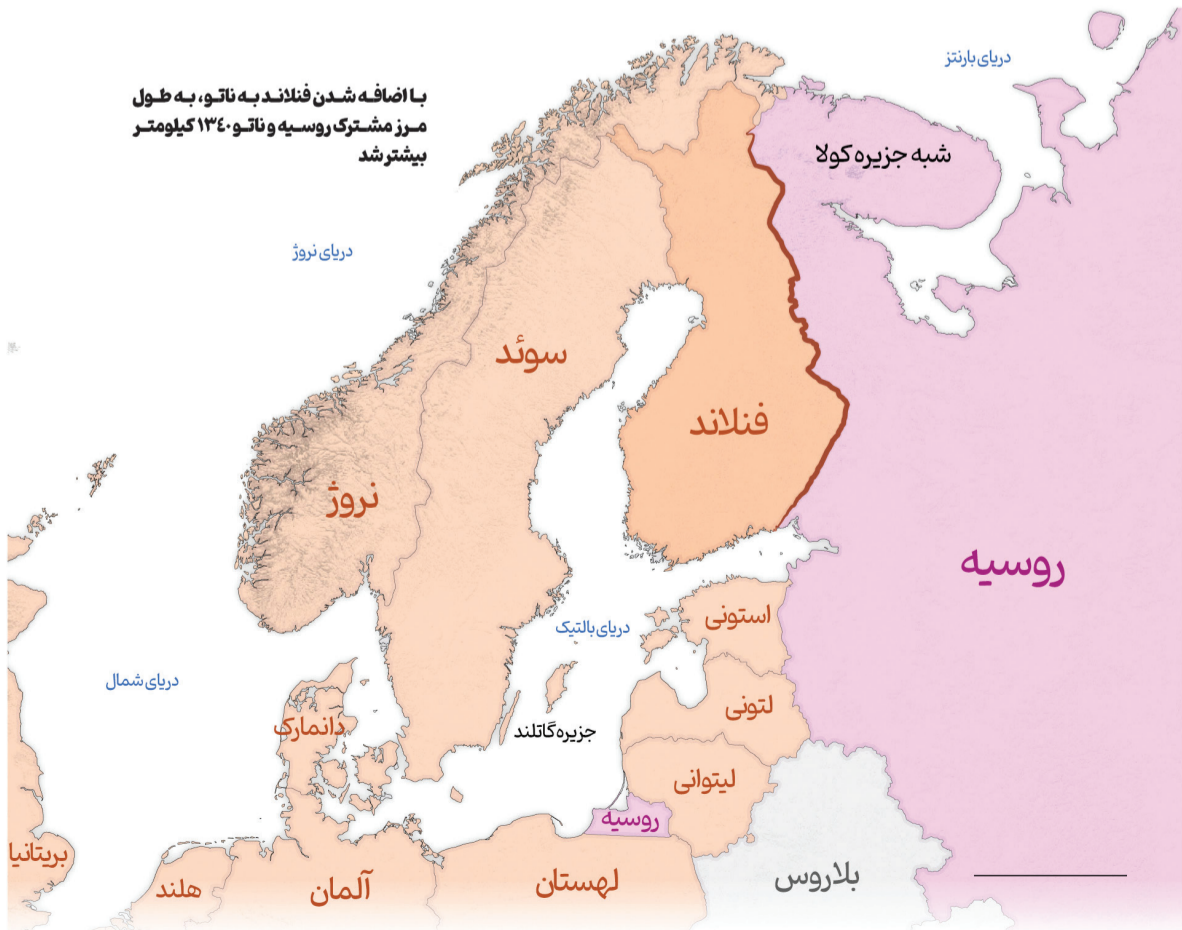
عضویت سوئد و فنلاند باعث می‌شود حضور نظامی روسیه در دریای بالتیک و تلاش‌های مسکو برای افزایش نفوذش در این منطقه با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شود. کریستوفر اسکالوبا، مدیر ابتکار ترانس آتلانتیک در اندیشکده شورای آتلانتیک در این خصوص می‌نویسد: «یکی از مأموریت‌های اصلی ناتو دور نگه داشتن دست روسیه از کشورهای حوزه بالتیک (لیتوانی، استونی و لتونی) است و حضور فنلاند و سوئد در ائتلاف ناتو می‌تواند امنیت این کشورهای کوچکتر حوزه بالتیک را ارتقا دهد.» کارایسا نیشه، پژوهشگر مرکز نیو امریکن سوسیاتی معتقد است: «عضویت هلسینکی و استکهلم در ناتو به معنای یک تجدید قوای جدی برای ناتو در منطقه دریای بالتیک خواهد بود و مزیت‌های جغرافیایی متعددی را در اختیار ناتو قرار می‌دهد.»

جزیره استراتژیک گاتلند در دریای بالتیک از جمله این مزیت‌های جغرافیایی است. سوئد در سال ۲۰۲۲ تصمیم گرفت ۱۶۳ میلیون دلار برای تقویت حضور نظامی خود در این جزیره اختصاص دهد و ضمن افزایش تعداد نظامیان، تجهیزات پیشرفته‌تری را نیز در گاتلند مستقر کند.

لتونی، لیتوانی و استونی که مجموعاً ۶ میلیون نفر جمعیت دارند عمدتاً از زمین‌های جنگلی و مسطح تشکیل شده‌اند. نگاهی به نقشه نشان می‌دهد که این سه کشور به‌نوعی در محاصره زمینی روسیه و بلاروس قرار دارند و از این سه کشور، تنها لیتوانی است که با یک کشور دیگر ناتو یعنی لهستان مرز مشترک دارد. در چنین وضعیتی، اضافه شدن سوئد و فنلاند به ناتو و پایان سیاست بی‌طرفی آن‌ها شبیه به یک چتر حمایتی بر سر این سه کشور است که راه را برای حمایت از آن‌ها در مواقع خطر باز می‌کند.

سرویس اطلاعات خارجی استونی در یک گزارش عمومی که در سال ۲۰۲۳ منتشر شد، آورده است: «از نگاه روسیه، حوزه بالتیک یکی از مهم‌ترین بخش‌های ناتو به شمار می‌رود و همین مسئله آن‌ها را وادار می‌سازد در یک درگیری احتمالی میان روسیه و ناتو تمرکز و فشار نظامی زیادی روی این منطقه بگذارند.»

اندیشکده Rand در یک ارزیابی از تقابل نظامی احتمالی روسیه و ناتو در سال ۲۰۱۶ نوشت: «روسیه می‌تواند ظرف حدود ۶۰ ساعت این سه کشور را تصرف کند.» هرچند جنگ اوکراین نشان داد بخشی از این



با اضافه شدن فنلاند به ناتو، به طول
مرز مشترک روسیه و ناتو، ۱۳۶ کیلومتر
بیشتر شد